

آئندہ آمریکا و ۱۸ ژوئیہ ۲۰۲۰ - شمارہ سہ

خوشا بہ حال چشمانی کہ می بینند و گوش‌هایی کہ می شنوند

Jeff Pippenger

2023-08-25

سلسلہ مراتب جنبش‌های اصلاحی، کلیدی برای فهم «هفت رعد» در مکاشفہ باب دہم است. «هفت رعد» نمایانگر تاریخ توانمندسازی پیام فرشتہ اول از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا نومیدی عظیم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ است. باب دہم، در درون خود، سہ شاهد داخلی برای تأیید این برداشت فراہم می‌آورد.

«جنبش ظهور سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۴ تجلی باشکوهی از قدرت خدا بود؛ پیام فرشتہ اول بہ ہر ایستگاہ بشارتی در جهان رساندہ شد، و در برخی کشورها عظیم‌ترین علاقہ‌مندی دینی پدید آمد کہ از زمان اصلاحات قرن شانزدهم در ہیچ سرزمینی دیدہ نشدہ بود؛ اما اینها بہ وسیلہ جنبش نیرومندی کہ تحت آخرین ہشدار فرشتہ سوم برپا خواہد شد، پشت سر گذاشتہ خواہند شد.»
نبرد عظیم، ۶۱۱.

پیام فرشتہ اول از سال 1840 بہ بعد بہ جهان رساندہ شد. یورایہ اسمیت دریافت پیشگامان را، در ہمہنگی با خواہر وایت، بیان می‌کند. اسمیت اذعان می‌دارد کہ فرشتہ اول در سال 1798 ظاہر شد و نشان می‌دہد کہ این همان فرشتہ اول بود کہ در سال 1840 فرود آمد. اسمیت و پیشگامان صرفاً تمایز میان ظهور یک پیام و اقتدار یافتن آن را ملاحظہ نکردہ بودند. اسمیت بہ روشنی بیان می‌کند کہ ہنگامی کہ فرشتہ مکاشفہ دہ یک پا بر دریا و یک پا بر زمین نہاد، این امر پیامی را کہ بہ جهان رساندہ می‌شد، مشخص ساخت.

لہذا 1798 میں مسیح کے دن کے قریب ہونے کی منادی پر جو پابندی تھی، وہ ختم ہو گئی؛ 1798 میں زمانہ آخر شروع ہوا، اور چھوٹی کتاب سے مہر پڑا دی گئی۔ پس اُس زمانے سے مکاشفہ 14 کا فرشتہ یہ منادی کرتا ہوا نکل چکا ہے کہ خدا کی عدالت کا وقت آ پہنچا ہے؛ اور اسی وقت سے باب 10 کا فرشتہ بھی سمندر اور خشکی پر کھڑا ہو کر یہ قسم کھا چکا ہے کہ پھر مہلت نہ ہوگی۔ اُن کی یکسانیت میں کوئی سوال پیدا نہیں ہو سکتا؛ اور وہ تمام دلائل جو ایک کی تعیین مقام کے لیے پیش کیے جاتے ہیں، دوسرے کے معاملے میں بھی یکساں طور پر مؤثر ہیں۔ یہاں ہمیں یہ ثابت کرنے کے لیے کسی استدلال میں جانے کی ضرورت نہیں کہ موجودہ نسل اِن دونوں پیش گوئیوں کی تکمیل کو دیکھ رہی ہے۔ مسیح کی آمد کی منادی میں، خصوصاً 1840 سے 1844 تک، اِن کی کامل اور مفصل تکمیل شروع ہوئی۔ اس فرشتے کی یہ حالت کہ اُس کا ایک پاؤں سمندر پر اور دوسرا خشکی پر ہے، اُس کی منادی کے سمندر اور خشکی دونوں راستوں سے وسیع پھیلاؤ کو ظاہر کرتی ہے۔ اگر یہ پیغام صرف ایک ہی ملک کے لیے مقصود ہوتا، تو فرشتے کے لیے صرف خشکی پر کھڑا ہونا کافی ہوتا۔ لیکن اُس کا ایک پاؤں سمندر پر ہے، جس سے ہم یہ نتیجہ اخذ کر سکتے ہیں کہ اُس کا پیغام سمندر پار کرے گا اور دنیا کی مختلف قوموں اور خطوں تک پھیل جائے گا؛ اور اس نتیجے کو اس حقیقت سے مزید تقویت ملتی ہے کہ اوپر مذکور ایڈونٹ کی منادی واقعی دنیا کے ہر مشنری مرکز تک پہنچی تھی۔ اس پر مزید باب 14 کے تحت۔ یوریاہ اسمتھ، تھائس اِن ڈینیل اینڈ دی ریویلیشن، 521.

لہذا، دسویں باب کی پہلی آیت 11 اگست 1840 کی نشان دہی کرتی ہے، کیونکہ اُس وقت مکاشفہ نو میں مذکور پیشین گوئی کے مطابق عثمانی غلیے کا پیشین گوئی شدہ خاتمہ واقع ہوا۔ سسٹر وائٹ بیان کرتی ہیں:

«در سال ۱۸۴۰ تحقق شگفت‌انگیز دیگری از نبوت، توجهی گسترده را برانگیخت. دو سال پیش از آن، یوشیا لیچ، یکی از برجسته‌ترین خادمان بشارتی موعظه‌کننده ظهور دوم، تفسیری بر مکاشفه ۹ منتشر کرد و در آن سقوط امپراتوری عثمانی را پیشگویی نمود. بنا بر محاسبات او، این قدرت می‌بایست... در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ سرنگون شود، زمانی که می‌توان انتظار داشت اقتدار عثمانی در قسطنطنیه درهم شکسته گردد. و من بر این باورم که چنین نیز ثابت خواهد شد.»

«در همان زمانی که تعیین شده بود، ترکیه، از طریق سفیران خود، حمایت قدرت‌های متحد اروپا را پذیرفت و بدین‌سان خود را تحت سلطه ملت‌های مسیحی قرار داد. این رویداد دقیقاً پیشگویی را تحقق بخشید. هنگامی که این امر آشکار شد، انبوهی از مردم به درستی اصول تفسیر نبوی که میلر و همکارانش پذیرفته بودند، متقاعد شدند، و نیروی محرک شگفت‌انگیزی به جنبش ادونتی داده شد. مردان صاحب دانش و موقعیت با میلر متحد شدند، هم در موعظه و هم در انتشار دیدگاه‌های او، و از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ این کار به سرعت گسترش یافت.» نبرد عظیم، ۳۳۴، ۳۳۵.

آیه نخست باب دهم، سال ۱۸۴۰ است، و در آیه دهم می‌بینیم که یوحنا در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به تلخی نومید می‌شود. یوحنا نماینده کسانی بود که پیام کتاب کوچک را به جهان رساندند، اما تنها برای آن که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آن نومیدی تلخ را متحمل شوند. آیات یک تا ده، تاریخ ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ را نشان می‌دهند. این، یک شاهد درونی در باب دهم است.

شاهد دیگر یوحناست که طومار کوچک را می‌خورد و آن در دهانش شیرین است، که نمایانگر پذیرش پیام ۱۱ اوت ۱۸۴۰ از سوی اوست؛ و سپس در واقعه نومیدی عظیم ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ در شکمش تلخ می‌شود.

پس آن کتاب کوچک را از دست فرشته گرفتم و آن را خوردم؛ و در دهانم همچون عسل شیرین بود؛ و چون آن را خوردم، شکمم تلخ گردید. مکاشفه ۱۰:۱۰

آیه دهم، تمام تاریخ ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ را در یک آیه بازنمایی می‌کند. این، دومین شاهد درونی در درون این باب است که نشان می‌دهد «هفت رعد» نمایانگر آن تاریخ‌اند. خواهر وایت پیش‌تر مشخص کرده است که «هفت رعد» بیانگر ترسیمی از رویدادهایی هستند که تحت پیام‌های فرشته اول و دوم به وقوع پیوستند. پیام فرشته دوم با نومیدی عظیم پایان یافت؛ از این رو «هفت رعد» همان تاریخ را نمایندگی می‌کنند. سه شاهد درونی برای تأیید این حقیقت وجود دارد که تاریخ ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا نومیدی عظیم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، همان تاریخ نبوی‌ای است که در باب دهم مکاشفه بر آن تأکید شده است.

پس در آیه آخر، مطابق با حقیقت مرتبط با «هفت رعد»، فرمانی برای ارائه پیام داده می‌شود و اینکه همان تاریخ باید عیناً تکرار گردد.

و او به من گفت: «تو باید بار دیگر در برابر اقوام و امت‌ها و زبان‌ها و پادشاهان بسیار نبوت کنی.» مکاشفه ۱۰:۱۱

הַשְׁבָּעָה הָעֲמִים מְצִיגִים כִּי הָאֱשִׁיתָה שֶׁל הָאֲדֹנָיִים, הַמַּחְתִּילָה בְּעַת שְׁהִמְסָר שְׁנֵפֶתַח בְּ, עַתָּה הַקָּץ הוֹעֵצִים, תִּמְחִישׁ אֶת אַחֲרֵיתָה שֶׁל הָאֲדֹנָיִים, כְּאֲשֶׁר הִמְסָר שְׁנֵפֶתַח בְּ-1989 יוֹעֵצִים עַל-יְדֵי הַיְרִידָה, לֹא שֶׁל הַמְּלָאךְ שֶׁל הַתְּגִלָּה י', אֶלָּא שֶׁל הַמְּלָאךְ הַיּוֹדֵד שֶׁל הַתְּגִלָּה י"ח. מְלָאךְ הַתְּגִלָּה י"ח יָרַד בְּ-11 בִּסְפֹּטֶמְבֶּר 2001, וְעַכְשָׁיו אֲנוּ מִתְקַרְבִּים אֶל סִימָה שֶׁל הַתְּזָרָה הַהִיסְטוֹרִית שֶׁל 1840 טַי 1844.

این ملاحظات درباره فصل دهم سال‌هاست که در عرصه عمومی در دسترس بوده است. آنچه تا همین اواخر هرگز شناخته نشده بود، این است که در دل آن تاریخ مقدس، تاریخ دیگری نیز نهفته است. این تاریخ تنها از سوی کسانی شناخته خواهد شد که اصل آلفا و امگا را می‌پذیرند؛ اصلی

که پایان یک چیز را با آغاز آن همانند می‌شمارد. تاریخ نهفته در درون آن تاریخ مقدس، با یک نومی‌آغاز می‌شود و با نومی‌بزرگ پایان می‌یابد. تاریخ ۱۸۴۳ تا ۱۸۴۴ خط ویژه‌ای از تاریخ است که در درون، اما متمایز از، تاریخ ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ قرار دارد. خواهر وایت و مسیح هر دو به این خط تاریخ می‌پردازند.

«تمام پیغام‌هایی که از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ داده شد، اکنون باید با قوت مطرح شود، زیرا بسیاری از مردم جهت خود را از دست داده‌اند. این پیغام‌ها باید به همه کلیساها برسد.»

مسیح فرمود: «خوشا به حال چشمان شما، زیرا می‌بینند؛ و گوش‌های شما، زیرا می‌شنوند. زیرا هرآینه به شما می‌گویم که بسیاری از انبیا و عادلان آرزو داشتند آنچه را شما می‌بینید ببینند، و ندیدند؛ و آنچه را شما می‌شنوید بشنوند، و نشنیدند» [17] 13:16, 17] خوشا به حال چشمانی که آنچه را در سال‌های 1843 و 1844 دیده شد، دیدند.

«پیغام داده شد. و در تکرار این پیغام نباید هیچ تأخیری باشد، زیرا نشانه‌های زمان در حال تحقق‌اند؛ کار پایانی باید انجام شود. کاری عظیم در زمانی کوتاه انجام خواهد گرفت. به زودی پیغامی به تعیین خدا داده خواهد شد که به فریادی بلند فزونی یافت. آنگاه دانیال در نصیب خویش خواهد ایستاد تا شهادت خود را بدهد.» Manuscript Releases, جلد 21, 437.

«پیامبران و مردان پارسا آرزو داشته‌اند آن چیزها را ببینند» که «در ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ دیده شد.» عیسی در دو انجیل به این تاریخ مقدس اشاره کرد، اما هر اشاره در زمینه‌ای متفاوت بود.

اور او با مثل‌ها سخنان بسیار بدیشان گفت و فرمود: اینک، برزگری برای افشاندن بذر بیرون رفت؛ و چون بذر می‌افشانند، بعضی دانه‌ها در کنار راه افتاد، و پرندگان آمده آنها را بلعیدند. بعضی دیگر بر جاهای سنگلاخی افتاد، جایی که خاک بسیار نداشت؛ و از آن‌رو که ژرفای خاک نداشت، بی‌درنگ رویید. اما چون آفتاب برآمد، سوخته شد؛ و چون ریشه نداشت، خشک گردید. و بعضی در میان خارها افتاد؛ و خارها برآمده، آنها را خفه کرد. لیکن بعضی دیگر در زمین نیکو افتاد، و بار آورد: بعضی صد برابر، بعضی شصت برابر، و بعضی سی برابر. هر که گوش شنوا دارد، بشنود. آنگاه شاگردان پیش آمده، بدو گفتند: چرا با ایشان به مثل‌ها سخن می‌گوی؟ او در پاسخ بدیشان گفت: زیرا به شما عطا شده است که اسرار ملکوت آسمان را بدانید، اما به ایشان عطا نشده است. زیرا هر که دارد، بدو داده خواهد شد و فزونی خواهد یافت؛ اما هر که ندارد، همان را نیز که دارد از او گرفته خواهد شد. از این‌رو با ایشان به مثل‌ها سخن می‌گویم، زیرا با آنکه می‌بینند، نمی‌بینند؛ و با آنکه می‌شنوند، نمی‌شنوند و نمی‌فهمند. و در ایشان نبوت اِشعیا تحقق می‌یابد که می‌گوید: به گوش خواهید شنید و هرگز نخواهید فهمید؛ و نگرسته، خواهید نگرست و هرگز درک نخواهید کرد. زیرا دل این قوم سخت و سنگین شده است، و گوش‌هایشان در شنیدن کند گردیده، و چشمان خویش را بسته‌اند؛ مبادا با چشمان خود ببینند، و با گوش‌های خود بشنوند، و با دل خویش بفهمند، و بازگشت کنند، و من ایشان را شفا دهم. اما چشمان شما مبارک است، زیرا می‌بیند؛ و گوش‌های شما، زیرا می‌شنود. زیرا هرآینه به شما می‌گویم که بسیاری از انبیا و عادلان آرزو داشتند آنچه را شما می‌بینید ببینند، و ندیدند؛ و آنچه را شما می‌شنوید بشنوند، و نشنیدند. متی 13:3-17.

عیسی در متی، هنگامی که درباره تأثیر کلام خدا سخن می‌گوید و انسان‌ها را به «شنیدن» فرا می‌خواند، بیان می‌کند که لائودیکانی که پیامی را که انبیا مشتاق دیدن آن بودند رد می‌کنند، در اِشعیا باب شش به تصویر کشیده شده‌اند. کتاب آئینه برای آمریکا مکرراً اِشعیا شش را در ارتباط با یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ مطرح کرده است، زیرا با حمله اسلام در آن تاریخ، فرشته مقتدر مکاشفه هجده فرود آمد و زمین را به جلال خویش منور ساخت. همه انبیا با یکدیگر موافق‌اند، و در آیه سه اِشعیا شش اشاره مستقیم به همان فرشته را می‌یابیم.

در سالی کہ عزیا پادشاہ وفات یافت، خداوند را نیز دیدم کہ بر تختی نشستہ بود، بلند و برافراشتہ، و ذیل جامہ اش ہیکل را پر کردہ بود۔ بر فراز آن سراقین ایستادہ بودند؛ ہر یک را شش بال بود؛ با دو بال روی خود را می پوشانید، و با دو بال پاہای خود را می پوشانید، و با دو بال پرواز می کرد۔ و یکی دیگری را ندا دادہ، می گفت: قدوس، قدوس، قدوس، یہوہ صباوت است؛ تمامی زمین از جلال او مملو است۔ اشعیا ۶: ۱-۳

زمین از جلال او روشن می شود ہنگامی کہ فرشتہ مکاشفہ ہجدہ فرود می آید، و اشعیا کلید مہم دیگری را در اختیار ما می نهد آنگاہ کہ بہ ما آگاہی می دہد کہ رؤیای او از قدس در سالی واقع شد کہ عزیا پادشاہ مرد۔ عزیا پادشاہ کوشیدہ بود در درون ہیکل کار کاہن را انجام دہد۔ ہشتاد کاہن و کاہن اعظم در برابر او ایستادگی کردند تا او را از انجام این کار بازدارند، تا آنکہ خداوند او را در پیشانی اش بہ جذام مبتلا ساخت۔ او بہ سبب آنکہ می کوشید اقتدار حکومتی خود را با اقتدار کلیسائی درہم آمیزد، نشان وحش را دریافت کرد۔ او بی درنگ نمرد؛ از تخت برداشتہ شد و جایگزین گردید، و در طی مدتی سرانجام در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مرد۔ کلیسای ادونتیسٹ بہ تدریج می میرد، همان گونہ کہ کلیسای یہود در زمان مسیح مرد۔ اما در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ادونتیسٹ کہ پیشاپیش پیام شش آیہ آخر دانیال یازدہ را رد کردہ بود، بہ عنوان شاخ پروتستان ایالات متحدہ بہ پایان رسید، و آنگاہ کسانی کہ بہ وسیلہ اشعیا نمایندگی می شدند فراخواندہ شدند تا پیامی را کہ بہ وسیلہ نخستین صدا در مکاشفہ ہجدہ نمادپردازی شدہ است، برگیرند۔

پس عزریاہ کاہن اُس کے پیچھے اندر گیا، اور اُس کے ساتھ خداوند کے اسی کاہن تھے، جو دلیر آدمی تھے۔ اور انہوں نے عزریاہ بادشاہ کا مقابلہ کیا اور اُس سے کہا: اے عزریاہ، خداوند کے لیے بخور جلانا تیرا کام نہیں، بلکہ ہارون کی نسل کے ان کاہنوں کے لیے جو بخور جلانے کے لیے مقدس کیے گئے ہیں۔ مقدس سے نکل جا، کیونکہ تو نے تعدی کی ہے، اور یہ خداوند خدا کی طرف سے تیرے لیے عزت کا باعث نہ ہوگا۔ تب عزریاہ غضبناک ہوا، اور بخور جلانے کے لیے اُس کے ہاتھ میں بخوردان تھا؛ اور جب وہ کاہنوں پر غضبناک ہی تھا کہ کوڑھ کا داغ خداوند کے گھر میں، بخور کی قربان گاہ کے پاس، کاہنوں کے سامنے اُس کی پیشانی پر نمودار ہوا۔ اور سردار کاہن عزریاہ اور سب کاہنوں نے اُس پر نگاہ کی، اور دیکھو، اُس کی پیشانی پر کوڑھ تھا؛ اور انہوں نے اُسے وہاں سے جلد نکال دیا؛ بلکہ وہ خود بھی نکل جانے میں جلدی کرنے لگا، کیونکہ خداوند نے اُسے مارا تھا۔ اور عزریاہ بادشاہ اپنی موت کے دن تک کوڑھی رہا، اور کوڑھی ہونے کے باعث الگ گھر میں رہتا تھا؛ کیونکہ وہ خداوند کے گھر سے کاٹ دیا گیا تھا؛ اور اُس کا بیٹا یوتام شاہی محل پر مقرر تھا اور ملک کے لوگوں کا انصاف کرتا تھا۔ 2 تواریخ 26: 17-21۔

لازم ہے کہ یہ پہچانا جائے کہ پروٹسٹنٹ سینگ 11 ستمبر 2001 کو سیونٹھ ڈے ایڈونٹسٹ کلیسیا سے ہٹا دیا گیا تھا، کیونکہ آخری ایام میں مکاشفہ کے پیغام کے غیرمہر ہونے کے تین بنیادی عناصر ہیں۔ ایک عنصر جمہوریت کے سینگ اور پروٹسٹنٹ ازم کے سینگ کی متوازی تاریخ ہے۔ دوسرا عنصر، جسے لازماً پہچانا جانا چاہیے، سات کلیسیاؤں کی اہمیت ہے، اور یقیناً تیسرا "سات گرجیں" ہیں۔ یہ تینوں نبوتی عناصر مل کر اُس پیغام کی تشکیل کرتے ہیں جو غیرمہر کیا جا رہا ہے، اور یہ تسلیم کرنا ضروری ہے کہ جس طرح مسیح کے زمانے میں یہودی کلیسیا کو نظرانداز کر دیا گیا تھا، اسی طرح "آخری ایام" میں ایڈونٹ ازم کو بھی نظرانداز کر دیا جاتا ہے۔

اشعیا داوطلب می شود تا پیامی را بہ قوم برگزیدہ اما بی وفای خدا در دوران خود برساند، و عیسی همان سخنان را برای خطاب بہ همان وضعیت در دوران خویش بہ کار می برد۔ قومی برگزیدہ در چارچوب عہد در حال کنار گذاشتہ شدن اند، و آنان از اینکہ «بشنوند» و شفا یابند، سر باز می زنند۔

و او فرمود: برو و بہ این قوم بگو: ہرآینہ خواہید شنید، اما نخواہید فہمید؛ و ہرآینہ خواہید دید، اما درک نخواہید کرد۔ دل این قوم را فربہ ساز، و گوش ہای ایشان را سنگین کن، و چشمان ایشان

را ببند؛ مبادا با چشمان خود ببینند، و با گوش‌های خود بشنوند، و با دل خود بفهمند، و بازگشت کنند، و شفا یابند. اشعیا ۶: ۹، ۱۰

کاری که اشعیا بر عہدہ می‌گیرد، همان کاری است کہ یوحنا و حزقیال هنگامی بر عہدہ گرفتند کہ کتابچہٗ کوچک را خوردند. آنان پیام توبیخ را بہ قومی برگزیدہ و صاحبِ عہد می‌برند کہ در فرایند قی شدن از دہان خداوند ہستند. دومین بار کہ عیسی بہ تاریخی اشارہ می‌کند کہ انبیا و مردان عادل آرزومند دیدن آن بودند، در لوقا ثبت شدہ است.

اور تو، اے کپرناحوم، جو آسمان تک سرفراز کیا گیا ہے، عالم ارواح تک گرا دیا جائے گا۔ جو تمہاری سنتا ہے وہ میری سنتا ہے؛ اور جو تمہیں حقیر جانتا ہے وہ مجھے حقیر جانتا ہے؛ اور جو مجھے حقیر جانتا ہے وہ اُسے حقیر جانتا ہے جس نے مجھے بھیجا ہے۔ اور وہ ستر خوشی خوشی واپس آئے اور کہنے لگے، اے خداوند، تیرے نام کے وسیلہ سے بدروحیں بھی ہمارے تابع ہیں۔ اُس نے اُن سے کہا، میں شیطان کو بجلی کی مانند آسمان سے گرتا ہوا دیکھ رہا تھا۔ دیکھو، میں نے تمہیں اختیار دیا ہے کہ سانپوں اور بچھوؤں کو پامال کرو، اور دشمن کی ساری قوت پر غالب آؤ؛ اور ہرگز کوئی چیز تمہیں نقصان نہ پہنچائے گی۔ تو بھی اِس بات پر خوش نہ ہو کہ روحیں تمہارے تابع ہیں؛ بلکہ اِس پر خوش ہو کہ تمہارے نام آسمان پر لکھے ہوئے ہیں۔ اُسی گھڑی یسوع روح میں نہایت شادمان ہوا اور کہا، اے باپ، آسمان اور زمین کے مالک، میں تیرا شکر کرتا ہوں کہ تو نے یہ باتیں دانشمندوں اور عقلمندوں سے چھپائیں اور بچوں پر ظاہر کیں؛ ہاں، اے باپ، کیونکہ یہی تیری نظر میں پسندیدہ تھا۔ سب چیزیں میرے باپ کی طرف سے مجھے سونپی گئی ہیں؛ اور کوئی نہیں جانتا کہ بیٹا کون ہے مگر باپ؛ اور یہ کہ باپ کون ہے مگر بیٹا، اور وہ جس پر بیٹا اُسے ظاہر کرنا چاہے۔ پھر اُس نے اپنے شاگردوں کی طرف متوجہ ہو کر تنہائی میں کہا، مبارک ہیں وہ آنکھیں جو یہ چیزیں دیکھتی ہیں جو تم دیکھتے ہو۔ کیونکہ میں تم سے کہتا ہوں کہ بہت سے نبیوں اور بادشاہوں نے آرزو کی کہ وہ ان چیزوں کو دیکھیں جو تم دیکھتے ہو، مگر نہ دیکھ سکیں؛ اور ان باتوں کو سنیں جو تم سنتے ہو، مگر نہ سن سکیں۔ لوقا 10: 24-15

باز ہم، سیاقِ برکتی کہ با کسانی مرتبط است کہ این امتیاز را دارند آنچه را ببینند کہ صالحان آرزوی دیدنش را داشتہ‌اند، دربارهٔ قومی برگزیدہ عہدی است کہ از آنان عبور می‌شود و مایل نیستند «بشنوند». خواہر وایت بہ محکومیتِ کفرناحوم از سوی مسیح اشارہ می‌کند، کہ نمادی از ردِ نور عظیم است، و او با قرار دادنِ این توبیخ علیہ آدونتیسیم در [کروشہ‌ها] بر آدونتیسیم تأکید کرد.

«در میان فرزندانِ معترفِ خدا، چہ اندک شکیبایی ظاہر شدہ است، چہ بسیار سخنان تلخ گفتہ شدہ است، و چہ اندازہ محکومیت بر ضد کسانی کہ ہم‌ایمان ما نیستند، بر زبان آمدہ است. بسیاری بہ کسانی کہ بہ کلیساہای دیگر تعلق دارند همچون گناہکارانی بزرگ نگرستہ‌اند، حال آنکہ خداوند آنان را چنین نمی‌نگرد. کسانی کہ بدین‌گونہ بہ اعضای کلیساہای دیگر می‌نگرند، نیاز دارند کہ زیر دستِ نیرومندِ خدا فروتن شوند. آنان کہ این اشخاص محکوم می‌کنند، ممکن است نور اندکی، فرصت‌های اندک، و امتیازات کمی داشتہ باشند. اگر آنان نوری را کہ بسیاری از اعضای کلیساہای ما داشتہ‌اند، در اختیار می‌داشتند، ممکن بود با سرعتی بہ مراتب بیشتر پیشرفت کنند، و ایمان خود را بہتر بہ جہان نمایان سازند. دربارهٔ آنان کہ بہ نور خود می‌بالند، و با این حال از آن پیروی نمی‌کنند، مسیح می‌گوید: "لیکن بہ شما می‌گویم، در روز داوری، تحملِ صور و صیدا از شما آسان‌تر خواہد بود. و تو، ای کفرناحوم [آدونتیسیت‌های روز ہفتم، کہ نور عظیمی داشتہ‌اند]، کہ تا آسمان [از جہت امتیاز] سرافراز شدہ‌ای، تا ہاویہ فرو خواہی افتاد؛ زیرا اگر معجزاتی کہ در تو ظاہر شد، در سدوم ظاہر می‌شد، تا امروز باقی می‌ماند. لیکن بہ شما می‌گویم کہ در روز داوری، تحملِ سرزمینِ سدوم از تو آسان‌تر خواہد بود." در آن هنگام، عیسی در پاسخ گفت: "ای پدر، خداوند آسمان و زمین، تو را سپاس می‌گویم، زیرا این امور را از دانایان و خردمندان [در پندار خویش] پنهان داشتہ‌ای و آنها را بر طفلان مکشوف ساختہ‌ای."»

«و اکنون، چون شما همه این اعمال را به جا آورده اید، خداوند می فرماید، و من به شما سخن گفتم، بامدادان برخاسته و سخن گفته ام، اما شما نشنیدید؛ و شما را خواندم، اما پاسخ ندادید؛ بنابراین، به این خانه که به نام من خوانده می شود و شما بر آن توکل دارید، و به این مکانی که آن را به شما و به پدرانان دادم، همان خواهم کرد که به شیلوه کردم. و شما را از حضور خود بیرون خواهم افکند، چنان که همه برادران شما، یعنی تمامی نسل افرایم را، بیرون افکنده ام.» Review and Herald, August 1, 1893

«اعمال عظیم»ی که در آدونتیسم انجام شده بود، همان اعمالی بود که مردان پارسا و انبیا آرزو داشتند آن ها را ببینند و بشنوند. آن اعمال عظیم در تاریخ ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴، هنگامی که پیام ندای نیمه شب اعلام شد، متجلی گردید. آدونتیسم تاریخ خود را رد کرده است، و به ویژه تاریخ ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ را. تاریخی که با یک نومیادی آغاز می شود و با یک نومیادی پایان می یابد، و نیز تاریخی که مقدر شده بود آنان را به سوی زمین نوساخته رهنمون سازد.

«در آغاز راه، در پشت سر ایشان نوری درخشان برپا شده بود که فرشته ای به من گفت همان «فریاد نیمه شب» است. این نور در سراسر راه می تابید و پای های ایشان را روشن می ساخت تا مبدا بلغزند.»

«اگر چشمان خود را بر عیسی، که درست در پیش روی ایشان بود و آنان را به سوی شهر رهبری می کرد، ثابت نگاه می داشتند، در امان بودند. اما به زودی برخی خسته شدند و گفتند که شهر بسیار دور است، و انتظار داشتند پیش از آن به آن داخل شده باشند. آنگاه عیسی با بلند کردن بازوی راست پرچمال خود آنان را دلگرم می ساخت، و از بازوی او نوری برمی خاست که بر گروه ادونتی موج می زد، و آنان فریاد می زدند: "هلولوپاه!" برخی دیگر با بی پروایی نوری را که پشت سرشان بود انکار کردند و گفتند که این خدا نبود که آنان را تا اینجا رهبری کرده بود. نور پشت سر ایشان خاموش شد و پاهایشان را در تاریکی کامل وا گذاشت، و لغزیدند و نشان و عیسی را از نظر گم کردند، و از مسیر به پایین، به جهان تاریک و شریر زیر پایشان سقوط کردند.» Early Writings, 15

آنچه شیر سبط یهودا اکنون مَهر آن را می گشاید، تاریخ ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ است. «هفت رعد» نمایانگر سال های ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ هستند، اما آن دوره دربردارنده تاریخی بسیار ویژه است که از آغاز تاریخ عهد، همواره به گونه ای نمادین پیش نموده شده است. هر یک از جنبش های اصلاحی با یکدیگر توازی دارند و همان نشانه های یکسان را در خود دارا هستند. اگر این جنبش ها با یکدیگر متفاوت می بودند، شیطان برای هر جنبش اصلاحی نقشه ای متفاوت برای حمله ترتیب می داد، اما او هرگز چنین نمی کند.

«اما شیطان بیکار ننشست. او اکنون کوشید همان کاری را انجام دهد که در هر جنبش اصلاحی دیگر نیز انجام داده است—یعنی قوم را بفریبد و هلاک سازد، به این گونه که به جای کار حقیقی، بدلی را به آنان بقبولاند. همان گونه که در قرن نخست کلیسای مسیحی، مسیحان دروغین بودند، در قرن شانزدهم نیز انبیای کاذب برخاستند.» — نبرد عظیم، 186.

نکته اساسی در این بخش، از حیث پیام کلی ای که ما عرضه می کنیم، این است که هنگامی که آدونتیسم از پاسداری ردای پروتستانتیسم بازایستاد و آن ردا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به طور کامل از او گرفته شد، همچنان اصرار می ورزد که همان جنبش باقی مانده ای است که فریاد بلند فرشته سوم را اعلام می کند. با این حال، آنان جعلی اند. اگر تشخیص ندهید که اکنون کدام جنبش شاخ پروتستانتیسم را بر دوش می کشد، درک موازات میان آن دو شاخ در ایالات متحده عملاً ناممکن است.

تاریخ 1843 اور 1844 بر اصلاحی تحریک میں نمایاں کی گئی ہے، اور اب ہم قدیم اسرائیل کے آغاز کو، بطور خدا کی برگزیده قوم، اور اسرائیل کے اختتام کو، بطور خدا کی برگزیده قوم، اس لیے استعمال

کریں گے کہ جدید اسرائیل میں اسی حقیقت کی توضیح کریں، جبکہ توجہ 1843 اور 1844 پر ہوگی جیسا کہ وہ ہر ایک اصلاحی تحریک کی سطور میں ممثل ہیں۔

موسیٰ نے نبوت کی کہ خداوند اُس کی مانند ایک نبی پرپا کرے گا، اور وہ نبی یسوع تھا۔ لوقا نے اعمال کی کتاب میں تصدیق کی ہے کہ یسوع نے موسیٰ کی نبوت کو پورا کیا۔

خداوند، یہوہ، برای تو از میان خودت، از میان برادرانت، نبیای مانند من برخواهد انگيخت؛ او را بشنويد. تثنيه ۱۸:۱۵۔

عیسیٰ همان نبیای است که باید به او گوش فرا دهیم۔

زیرا موسیٰ حقیقتاً بہ پدران گفت: «یہوہ خدای شما، از میان برادرانتان، نبیای مانند من برای شما برخواهد انگيخت؛ او را در ہر آنچہ بہ شما گوید، بشنويد۔ و واقع خواهد شد کہ ہر جانی کہ بہ آن نبی گوش نسپارد، از میان قوم ہلاک خواهد شد۔» آری، و جمیع انبیاء، از سموئیل و آنان کہ پس از او آمدند، ہر کہ سخن گفتند، از این ایام نیز پیشگوئی کردند۔ شما فرزندان انبیاء و آن عہدی ہستید کہ خدا با پدران ما بست، آنگاہ کہ بہ ابراہیم گفت: «و در نسل تو جمیع قبایل زمین برکت خواہند یافت۔» خدا نخست برای شما، چون پسر خود عیسیٰ را برانگيخت، او را فرستاد تا شما را برکت دہد، بہ اینکہ ہر یک از شما را از گناہانش بازگرداند۔ اعمال ۳:۲۲-۲۶۔

خط اصلاحی مسیح از زمان آخر آغاز می‌شود، همان‌گونه کہ ہمہ خطوط اصلاح از آن آغاز می‌گردند۔ «زمان آخر» در ایام مسیح، تولد او بود۔ کتاب مقدس مشخص می‌سازد کہ در ہنگام تولد او افزایشی در معرفت پدید آمد، در توافق با تعریف «زمان آخر» در کتاب دانیال۔ خواہ شبانان بودند، خواہ مجوس مشرق‌زمین، ہیرودیس خشمگین، یا حنا و شمعون در ہیکل، ہنگام تولد او افزایشی در معرفت وجود داشت۔ در آن ہنگام، از رہبری کلیسای یہود عبور شد۔ طلاق امری تدریجی بود، اما با رد پیامی آغاز شد کہ در زمان آخر گشودہ شدہ بود۔

«انسان‌ها آن را نمی‌دانند، اما این مژدہ آسمان را از شادی لبریز می‌سازد۔ موجودات مقدس جہان نور با علاقہ‌ای ژرف‌تر و لطیف‌تر بہ سوی زمین کشیدہ می‌شوند۔ سراسر جہان بہ سبب حضور او روشن‌تر است۔ بر فراز تپہ‌های بیت‌لحم، انبوهی بی‌شمار از فرشتگان گرد آمدہ اند۔ آنان در انتظار علامت می‌مانند تا خبر مسرت‌بخش را بہ جہان اعلام کنند۔ اگر رہبران اسرائیل نسبت بہ امانت خویش وفادار ماندہ بودند، می‌توانستند در شادی بشارت تولد عیسیٰ سہیم شوند۔ اما اکنون از آنان گذشتہ شدہ است۔» The Desire of Ages, 47۔

رہبری ادونتیسم در سال ۱۹۸۹ کنار گذاشتہ شد، ہنگامی کہ دانیال ۱۱:۴۰ بہ انجام رسید۔ «زمان آخر» در تاریخ موسیٰ، کہ نمادی از عیسیٰ بود، ہنگام تولد او بود؛ زمانی کہ خانوادہ‌اش و سپس دختر فرعون، شناخت افزون‌تری دربارہ موسیٰ نوزاد دریافت کردند۔ نام او، البتہ، بہ معنای «از آب نجات یافتہ» است، و عیسیٰ بہ معنای «یہوہ نجات می‌دہد» است۔

پس از «زمان آخر»، تمامی خطوط اصلاح نقطہ‌ای را نشان می‌دہند کہ در آن، دانشی کہ در آن تاریخ خاص افزون شدہ است، در قالب پیامی صورت‌بندی می‌شود تا بتوان آن را بہ مثابہ شہادت در برابر نسلی برافراشت کہ باید در قبال نوری کہ در زمان آخر گشودہ شد، مسئلہ شناختہ شوند۔

یحییٰ استباغی نے مسیح کے پیغام کو باضابطہ صورت دی، اور موسیٰ کا پیغام اس کے چالیسویں سال میں باضابطہ ہوا، جب اس نے اپنی ہی قوت کے بل پر اسرائیل کو مصر سے نجات دلانے کی کوشش کی۔ مصر سے نجات کے پیغام کا اندراج اب عوامی ریکارڈ میں ہو چکا تھا۔

چهل سال بعد، پیام موسی در بوته سوزان اقتدار یافت و با دو نشانه از الوهیت خدا همراه بود که به واسطه عصایی که به مار تبدیل شد و دست جذامی‌ای که موسی از گریبان خود بیرون آورد، نمود یافت. پیام عیسی در تعمید او اقتدار یافت که با دو نشانه از الوهیت همراه بود: صدای پدر و روح القدس. نشانه زمانی بعدی در هر دو تاریخ، بیانگر نخستین ناامیدی، زمان درنگ، و رسیدن فرشته دوم یا 1843 است.

مایوسی در سلسله موسی به وسیله همسر او به تصویر کشیده شد، آنگاه که فرشته فرود آمد تا موسی را به سبب ختنه نکردن پسرش هلاک سازد. صفوره از ترس، خود آن آیین را بر پسرشان به جا آورد. موسی ختنه کردن پسرش را فراموش کرده بود! همان نشان عهد که به ابراهیم داده شده بود، از یاد موسی رفته بود. پدر ابراهیم پیشگویی اسارت و رهایی عبرانیان را در مصر و از مصر بیان کرده بود، و مقرر بود که نبوت او به طور مشخص از طریق موسی به انجام رسد، اما موسی ختنه کردن پسرش را فراموش کرد. در آن هنگام، موسی صفوره را بازفرستاد تا تا پس از رهایی، نزد پدرش بماند. او در مدیانه درنگ کرد تا زمانی که موسی بنی اسرائیل را از میان آب‌های دریای سرخ عبور داد؛ چیزی که رسول پولس به ما می‌گوید نمونه‌ای از تعمید است، همان آیینی که جایگزین ختنه شد. از این نکته غافل نشوید. فرا رسیدن آن waymark که در تاریخ موسی نمایانگر فرشته دوم است، آن waymark که نخستین مایوسی را در آن تاریخ پدید می‌آورد، رد شدن قاعده اصلی رابطه عهدی ابراهیم با خدا بود.

نخستین ناکامی در سلسله مسیح، مرگ ایلعازر بود؛ رخدادی که مرتا و مریم یقین داشتند هرگز روی نمی‌داد اگر عیسی درنگ نکرده بود تا آن‌گاه که ایلعازر چهار روز تمام مرده بود. ناکامی ناشی از آن‌که عیسی اجازه داد دوست نزدیکش ایلعازر بمیرد و در قبر بپوسد، عظیم بود؛ نه فقط برای آن دو خواهر، بلکه برای شاگردان نیز. با این همه، رستاخیز ایلعازر مهر تمام خدمت مسیح گردید.

«مسیح در درنگ آمدن نزد ایلعازر، مقصودی از رحمت نسبت به کسانی داشت که او را نپذیرفته بودند. او تأخیر کرد تا با برخیزانیدن ایلعازر از مردگان، به قوم سرکش و بی‌ایمان خود، شاهی دیگر بدهد که او به راستی «قیامت و حیات» است. او به سختی حاضر بود هر امیدی را نسبت به قوم، آن گوسفندان بینوا و آواره خاندان اسرائیل، از دست بدهد. دل او از سبب بی‌توبگی ایشان در حال شکستن بود. او در رحمت خود قصد داشت یک شاهد دیگر نیز به ایشان بدهد که او احیاکننده است، آن یگانه کسی که تنها او می‌توانست حیات و جاودانگی را آشکار سازد. این می‌بایست شاهی باشد که کاهنان نتوانند آن را بد تعبیر کنند. این سبب تأخیر او در رفتن به بیت عنیا بود. این معجزه تاج‌گذار، یعنی برخیزانیدن ایلعازر، می‌بایست مهر خدا را بر کار او و بر ادعای الوهیت او بگذارد.» آرزوی اعصار، 529.

مهر شدن صد و چهل و چهار هزار خدا در تاریخ ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ به تصویر کشیده شده است، زیرا به ما گفته شده است که این ایلعازر بود که مسیح را در ورود ظفرمندان به اورشلیم رهبری کرد. تاریخ ورود ظفرمندان همان تاریخی است که خواهر وایت برای به تصویر کشیدن ندای نیمه شب ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ به کار می‌برد. این، سوءبرداشتی از این بود که مسیح به واسطه قدرت خلاقه خدا، قدرت زنده کردن مردگان را داشت. مریم و الیزابت اقرار کردند که می‌دانستند عیسی در شیپور آخر قدرت دارد ایلعازر را زنده کند، اما نمی‌توانستند ببینند که او واقعاً همان‌جا و در همان هنگام نیز قدرت زنده کردن را دارد. آنان در انکار همان حقیقتی بودند که او آمده بود تا در تعمید و مرگ خویش آشکار سازد، یعنی آغاز و پایان خدمت شخصی سه سال و نیمه او. آنان نمی‌توانستند ببینند تا آن‌گاه که سنگ از قبر برداشته شد؛ همان‌گونه که دست او بعدتر از روی اشتباهی در برخی از ارقام جدول ۱۸۴۳ برداشته می‌شد.

موسیٰ نے، فرعون کے ساتھ آنے والی کشمکش سے صفورہ کو جدا کر کے بھیج دینے کے بعد، اپنے بڑے بھائی ہارون سے ملاقات کی، اور یہ دونوں ایلچی دوسرے فرشتے کے پیغام کی نمائندگی کرتے ہوئے مصر کی طرف روانہ ہوئے۔ مصر پر کوئی آفت نازل کیے جانے سے پہلے موسیٰ نے فرعون کو خبردار کیا کہ اگر وہ اسرائیل، جو خدا کا پہلوٹھا ہے، کو نکل جانے اور عبادت کرنے کی اجازت نہ دے، تو خدا مصر کے پہلوٹھے کو ہلاک کر دے گا۔

اور خداوند بہ موسیٰ گفت: چون برای بازگشت به مصر می‌روی، بنگر که همه آن عجایی را که در دست تو نهاده‌ام، در حضور فرعون به‌جا آوری؛ لیکن من دل او را سخت خواهم ساخت تا قوم را رها نکند. و به فرعون خواهی گفت: خداوند چنین می‌فرماید: اسرائیل پسر من است، یعنی نخست‌زاده من. و به تو می‌گویم: پسر من را رها کن تا مرا عبادت نماید؛ و اگر از رها کردن او امتناع ورزی، اینک من پسر تو را، یعنی نخست‌زاده‌ات را، خواهم کشت. خروج ۴:۲۱-۲۳

فریاد نیمه‌شب پیشگوپی‌ای بود که در آینده تحقق می‌یافت.

»در رهایی اسرائیل از مصر، تخصیص نخست‌زادگان بار دیگر امر شد. هنگامی که بنی‌اسرائیل در بند مصریان بودند، خداوند به موسیٰ فرمان داد که نزد فرعون، پادشاه مصر، برود و بگوید: "خداوند چنین می‌فرماید: اسرائیل پسر من است، یعنی نخست‌زاده من؛ و به تو می‌گویم: پسر من را رها کن تا مرا عبادت نماید؛ و اگر از رها کردن او امتناع ورزی، اینک من پسر تو، یعنی نخست‌زاده‌ات، را خواهم کشت." خروج ۴:۲۲، ۲۳.

»موسیٰ نے اپنا پیغام پہنچایا؛ لیکن مغرور بادشاہ کا جواب یہ تھا، "خداوند کون ہے کہ میں اس کی آواز مان کر اسرائیل کو جانے دوں؟ میں خداوند کو نہیں جانتا، اور نہ ہی اسرائیل کو جانے دوں گا۔" خروج ۵:۲۔ خداوند نے اپنے لوگوں کے لیے نشانوں اور عجائب کے ذریعے کام کیا، اور فرعون پر ہولناک عدالتیں بھیجیں۔ آخر کار ہلاک کرنے والے فرشتہ کو حکم دیا گیا کہ مصریوں میں انسان اور چوپایوں کے پہلوٹھوں کو قتل کرے۔ تاکہ اسرائیلی بچا لیے جائیں، انہیں ہدایت دی گئی کہ ذبح کیے گئے ایک برہ کا خون اپنے دروازوں کی چوکھٹوں پر لگائیں۔ ہر گھر پر نشان ہونا لازم تھا، تاکہ جب فرشتہ اپنے موت کے مشن پر آئے تو وہ اسرائیلیوں کے گھروں سے گزر جائے۔» The Desire of Ages, 51.

پیام فریاد نیمه‌شب بہ فرعون، مرگِ نخست‌زادگان را در پاسخ بہ عصیان فرعون مشخص می‌ساخت. هنگامی کہ این پیام در سجل ثبت شد، بلاھا - کہ نمایانگر قدرتِ فریادِ نیمه‌شب در تابستان ۱۸۴۴ بود - بر مصر نازل گردید. پیام فریادِ نیمه‌شب در تابستان ۱۸۴۴ همچون موجی خروشان سراسر سرزمین را درنوردید. بلاھا سراسر مصر را فراگرفت، و چون مرگِ موعودِ نخست‌زادگان فرا رسید، در نیمه‌شب فریادی در تمام مصر شنیده شد.

۽ موسیٰ چيو، خداوند ائين ٿو فرمائي: اڌ رات ڌاري آءُ مصر جي وچ ۾ نڪرندس؛ ۽ مصر جي ملڪ ۾ سڀ پهلوئا مري ويندا، فرعون جي انهيءَ پهلوئي کان، جيڪو پنهنجي تخت تي ويٺو آهي، وٺي انهيءَ ٻانهيءَ جي پهلوئي تائين، جيڪا جن ڍنڍن ۾ آهي؛ ۽ چوپائي مال جا سڀ پهلوئا پئ. ۽ مصر جي سڄي ملڪ ۾ هڪ وڏو ماتم ٿيندو، جنهن جهڙو نه اڳي ڪڏهن ٿيو آهي، ۽ نه وري ڪڏهن ٿيندو. خروج ۱۱:۴-۶.

ورود پیروزمندانہ مسیح بہ اورشلیم بہ صلیبِ جلجتا انجامید، و شاگردان مسیح و دیگر پیروان او دچار ناامیدی عظیمی شدند.

»سرخوردگی ما بہ اندازہٗ سرخوردگی شاگردان نبود. هنگامی کہ پسر انسان با ظفریابی بہ اورشلیم وارد شد، آنان انتظار داشتند کہ او بہ پادشاهی تاجگذاری شود. مردم از سراسر آن نواحی گرد آمدند و فریاد برآوردند: "ہوشیانا بر پسر داوود." و چون کاهنان و مشایخ از عیسی خواستند کہ جماعت را خاموش سازد، او اعلام کرد کہ اگر ایشان خاموش بمانند، سنگ‌ها نیز فریاد

خواهند زد، زیرا نبوت می‌بایست تحقق یابد. با این همه، همین شاگردان در اندک روزهایی بعد، استاد محبوب خویش را، که باور داشتند بر تخت داوود سلطنت خواهد کرد، بر صلیب بی‌رحمانه، در برابر فریسیان استهزاگر و طعنه‌زن، کشیده دیدند. امیدهای بلند آنان نقش بر آب شد، و تاریکی مرگ آنان را دربر گرفت.» شهادت‌ها، جلد ۱، ۵۷، ۵۸.

شاگردان و میلریت‌ها نیز در نومییدی عظیم خود، به‌وسیلهٔ عبریان که میان سپاه فرعون و دریای سرخ گرفتار شده بودند، بازنموده شده‌اند.

«بر ما نور انباشتهٔ اعصار گذشته می‌تابد. گزارش فراموش‌کاری اسرائیل برای روشن‌گری ما محفوظ مانده است. در این عصر، خدا دست خود را دراز کرده است تا برای خویش قومی را از هر امت و قبیله و زبان گرد آورد. در جنبش ظهور، او برای میراث خویش عمل کرده است، چنان‌که برای بنی‌اسرائیل در بیرون آوردن ایشان از مصر عمل کرد. در نومییدی عظیم سال ۱۸۴۴، ایمان قوم او آزموده شد، همان‌گونه که ایمان عبرانیان نزد دریای سرخ آزموده گردید.» شهادت‌ها، جلد ۸، ۱۱۵، ۱۱۶.

مهم است که دریابیم هنگامی که مسیح وارد اورشلیم شد، الهام آن ساعت فورانی از ستایش پدید آورد که فریسیان در پی خاموش ساختن آن بودند. محور اصلی این همسرایی ستایش، اشاره به عیسی به‌عنوان پسر داوود بود؛ همان نمادی که مسیح برای نشان دادن پایان تعاملات کلامی خود با یهودیان مجادله‌گر به کار برد. آنچه بیش از همه یهودیان را می‌آزرد، این بود که وقتی عیسی را پسر داوود می‌خواندند، به‌طور ضمنی به ورود ظفرمندان داوود پادشاه به اورشلیم اشاره می‌کردند. در تاریخ کار داوود در آوردن تابوت به اورشلیم، اقتدار پیام به‌وسیلهٔ اقتدار داوود به تصویر کشیده شد.

و داوود پیش رفت و بزرگ و بزرگ‌تر شد، و یهوه، خدای لشکرها، با او بود. دوم سموئیل ۵:۱۰

از آن پس، داود مصمم شد که تابوت را به اورشلیم بیاورد. در آوردن تابوت به شهر داود، قرار بود ناامیدی‌ای رخ دهد، همان‌گونه که در هر خط اصلاحی چنین می‌شود. عزا، که نامش به معنای قوت است، با آنکه کاملاً می‌دانست مجاز نیست تابوت را لمس کند، با این همه چنین کرد. همان مسئله‌ای که در وهلهٔ نخست تابوت را به اسارت برد، نافرمانی نسبت به ارادهٔ مکشوف خداوند و جسارت خودسرانه دربارهٔ قدرت مرتبط با تابوت خدا بود. با این حال، عزا، مردی نیرومند از مردان داود، نافرمانی کرد، همان‌گونه که موسی از فرمان ختنه نافرمانی کرد. عزا به مرگ زده شد، و تابوت بیرون اورشلیم درنگ کرد تا آنکه داود دریافت کسانی که بر جایی که تابوت پس از مرگ عزا در آن مانده بود نظارت می‌کردند، برکت می‌یافتند. آنگاه داود بار دیگر به راه افتاد تا تابوت را به اورشلیم بیاورد. هنگامی که داود با رقص وارد اورشلیم می‌شد، همسرش برهنگی او را دید و سخت ناامید شد.

سه خط از جنبش‌های اصلاحی که همگی به ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴، آن دوره‌ای از زمان، اشاره دارند که مردان صالح و انبیا آرزوی دیدن و شنیدن آن را داشتند. ویژگی‌های ورود فرشته دوم، که بدین‌سان زمان درنگ و نومییدی را مشخص می‌سازد، همگی به‌آسانی قابل مشاهده‌اند. حقایق عمیق‌تر آشکار می‌سازند که این نومییدی صرفاً سوءتفاهمی از جانب موسی، یا عزه، یا مارتا و مریم نبود، بلکه نومییدی‌ای بود که با رد اصلی بنیادین مرتبط بود؛ اصلی که به همان تاریخی پیوسته بود که در آن، آن نومییدی تحقق یافت. برای موسی، آن نشانه ختنه بود؛ برای عزه، جسارت خودسرانه نسبت به اوامر خدا دربارهٔ تابوت؛ و برای مارتا و مریم، فقدان ایمان به قدرت خلاقهٔ مسیح برای برخیزانیدن مردگان.

با موسی، درست همان مضمون محوری خدمت او، برقراری رابطه‌ای عهدی با قومی برگزیده بود، و موسی نشانه آن عهد را از یاد برد. در مورد عزا، مسئله درست همان اصل تقدس شریعت خدا بود که

مایوسی، زمانی از درنگ را به همراه می آورد. این مایوسی کسانی را که در این کار درگیر بودند دلسرد و پراکنده می ساخت. این مایوسی از رهگذر بی اعتنایی به یک قانون اساسی نبوت، و در واقع اصلی ترین قاعده نبوت که در آغاز ادونتیسم برقرار شده بود، تحقق می یافت. توانمندسازی ۱۱ سپتامبر

२००१ बा اسلام مرتبط بود و मायूसी १८ ژुئی २०२० دربارهٔ اسلام بود. به ما گفته شده است که آنچه به ساموئل اسنو و دیگران پس از او امکان داد تاریخ ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ را تشخیص دهند، این بود که خداوند دست خود را از اشتباهی در برخی از ارقام نمودار ۱۸۴۳ برداشت. آنگاه اسنو و میلریت‌ها دریافتند که همان شواهدی که آنان را به پیشگویی سال ۱۸۴۳ برای تحقق نبوت دو هزار و سیصد ساله رهنمون شده بود، اکنون همان شواهدی شناخته شد که به آنان امکان داد ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ را معین کنند.

«عیسی و تمامی لشکر آسمان با همدردی و محبت بر کسانی می‌نگریستند که با انتظاری شیرین مشتاق دیدار او بودند که جان‌هایشان او را دوست می‌داشت. فرشتگان پیرامون آنان در پرواز بودند تا ایشان را در ساعت آزمایششان پایداری بخشند. آنان که از پذیرفتن پیام آسمانی غفلت کرده بودند، در تاریکی واگذاشته شدند، و خشم خدا بر ضد ایشان افروخته شد، زیرا نخواستند نوری را که او از آسمان برای ایشان فرستاده بود، بپذیرند. آن وفاداران نومیدشده، که نمی‌توانستند دریابند چرا خداوندشان نیامد، در تاریکی واگذاشته نشدند. بار دیگر به سوی کتاب مقدس‌هایشان هدایت شدند تا ادوار نبوتی را جست‌وجو کنند. دست خداوند از روی ارقام برداشته شد، و اشتباه توضیح داده شد. آنان دیدند که ادوار نبوتی تا ۱۸۴۴ امتداد می‌یافت، و همان شواهدی که برای نشان دادن این که ادوار نبوتی در ۱۸۴۳ پایان می‌پذیرفت، ارائه کرده بودند، ثابت می‌کرد که آن‌ها در ۱۸۴۴ خاتمه خواهد یافت. نور از کلام خدا بر وضعیت آنان تابید، و آنان زمانی برای تأخیر کشف کردند—«اگرچه آن [رؤیا] تأخیر نماید، برایش منتظر بمان.» در محبتشان به آمدن قریب‌الوقوع مسیح، از تأخیر رؤیا که برای آشکار ساختن منتظران حقیقی مقدر شده بود، غافل مانده بودند. بار دیگر نقطه‌ای زمانی داشتند. با این حال، دیدم که بسیاری از ایشان نمی‌توانستند از نوبتی خود فراتر روند تا آن درجه از غیرت و نیرو را که ایمانشان را در ۱۸۴۳ مشخص ساخته بود، در خود داشته باشند.» Early Writings, 236, 237.

باید انتظار داشته باشیم که شواهدی که به پیش‌بینی حملهٔ اسلام به ایالات متحده در ۱۸ ژوئی ۲۰۲۰ انجامید، این امر را تأیید کند که در قانون یکشنبه به‌زودی فرارسنده، اسلام همان داورای است که بر ضد ایالات متحده وارد می‌شود، بی‌آنکه دیگر عنصر زمان با آن رویداد مرتبط باشد.

چهار نشانهٔ اصلی در تاریخ ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴. هر نشانه با به‌کارگیری قاعدهٔ اصلی میلر—اصل یک روز به‌جای یک سال—مرتبط است.

چهار نشانهٔ اصلی در تاریخ ۲۰۰۱، تا هنگام قانون یکشنبه. یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ اسلام بود. پیشگویی نافرجام ۱۸ ژوئی ۲۰۲۰ دربارهٔ اسلام بود. هر نشانه با به‌کارگیری قاعدهٔ اصلی Future for America تاریخ—مرتبط است. «هفت رعد» نمایانگر رویدادهای آینده‌ای هستند که به ترتیب خود آشکار خواهند شد. نخستین این چهار نشانه، یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ بود که حملهٔ اسلام به ایالات متحده را در تحقق وای سوم مشخص ساخت. آخرین نشانه، که نمایانگر قانون یکشنبه در تاریخ ماست، باید دربارهٔ اسلام باشد، زیرا آلفا و امگا همواره پایان را از آغاز به تصویر می‌کشد، و آلفا و امگا همان کسی است که «هفت رعد» را برای همین تاریخ مهر و موم کرد. اسلام در هنگام قانون یکشنبه به ایالات متحده حمله خواهد کرد.

मूसा जब है। रहा जा कयिा प्रकट अब जो, है एक से मे तत्त्वों प्रमुख तीन के जाने खोले के गड़गड़ाहटों सात यह गतियाँ अंतमि तब, कयिा घोषति संदेश वाला ठहरने प्रतरूप का पुकार की मध्यरात्र में रेखा की इतिहास अपने ने हुई पूरी भवषियवाणी की वषिय के पहलौठे कति क यहँ, आई वषित्तियाँ वनिशकारी, अलौकिकि दस गई। हो तीव्र पहुँचाने तक करूस तब, गए कर प्रवेश में यरूशलेम मसीह जब हुआ। उत्पन्न वलिाप का मध्यरात्र में मस्र और अगस्त 12 रहा। न मार्ग कोई का लौटने तब, गया कयिा घोषति संदेश वह जब थे। चुके हो प्रारंभ चरण तीव्र वाले हुआ। पूरा भवषियकथन वह, बाद समय कम भी से महीने दो, से सम्मेलन-शविरि के एक्सेटर को 1844

की इस्राएल तुम जो है कहावत कैसी यह, पुत्र-मनुष्य हे, कहा और, पहुँचा पास मेरे वचन का यहोवा और ,कह उनसे इसलए? है जाता हो नष्फल दर्शन एक हर और, है जाते होते लम्बे दनि कि, हो कहते में भूमि में रूप के कहावत फरि में इस्राएल इसे वे और, दूँगा कर अनृत का कहावत इस मैं: है कहता यो यहोवा प्रभु घराने के इस्राएल क्योंकि भी। पूर्तकी दर्शन एक हर और, है नकिट दनि, कह उनसे परन्तु: करेंगे न प्रयोग मैं: हूँ यहोवा मैं क्योंकि कथन।-भावी करनेवाला चापलूसी कोई न और, होगा दर्शन व्यर्थ कोई न फरि में तुम्हारे, घराने वदिरोही हे क्योंकि; होगा न वलिम्बति फरि वह; होगा पूरा वह बोलूँगा मैं वचन जो और, बोलूँगा मेरे वचन का यहोवा फरि है। वाणी यही की यहोवा प्रभु, करूँगा भी पूरा उसे और, कहूँगा वचन मैं में दनि ही बहुत वह है देखता वह दर्शन जो, है कहता घराना का इस्राएल, देख, पुत्र-मनुष्य हे, कहा और, पहुँचा पास कहता यो यहोवा प्रभु, कह उनसे इसलए है। करता भवष्यद्वाणी की समयों के दूर वह और, है लए के दनिों प्रभु, जाएगा कथिा पूरा वह है कहा मैंने वचन जो परन्तु, होगा न वलिम्ब और अब में वचन भी किसी मेरे: है 12:21-28.यहेजकेल है। वाणी यही की यहोवा